نشر کارنامه

سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملّی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : وُلف، تامس، ۱۹۰۰–۱۹۳۸ م. Wolfe, Thomas
عنوان و نام پدیدآور : داستان یک رُمان/ نوشتهٔ تامس وُلف؛ ترجمهٔ احمد کسایی‌پور.
مشخصات نشر : تهران: نشرکارنامه، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۷۹ ص.؛ ۱۴ × ۲۱/۵ س‌م.
فروست : کارنامهٔ ویرایش؛ ۲.
شابک : ISBN 978-964-431-135-2
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا.
یادداشت : عنوان اصلی: The Story of a Novel
موضوع : خودسرگذشت‌نامه‌های داستانی آمریکایی
Autobiographical fiction, American
شناسهٔ افزوده : کسایی‌پور، احمد، ۱۳۴۲– ، مترجم.
رده‌بندی کنگره : PS ۳۵۴۱
رده‌بندی دیویی : ۸۱۳/۵۲
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی : ۹۵۱۰۴۸۲
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی : فیپا.

۲

کارنامهٔ ویرایش

به یاد **محمد زهرایی**

۱۳۲۸-۱۳۹۲

بنیان‌گذار نشر کارنامه

داستان
یک رُمان

تامس وُلف (۱۹۰۰–۱۹۳۸)

داستان یک رُمان

تامس وُلف

ترجمهٔ احمد کسایی‌پور

تهران، بهار ۱۴۰۳

داستان یک رمان

تامس وُلف ترجمهٔ احمد کسایی‌پور

آماده‌سازی کارگاه نشرکارنامه

واحد ویرایش مجید رنجبر، سمیه مثمر و مینو مدنی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی زهره جعفربور، شهلا شمس و عادل قشقایی

واحد گرافیک 12 استودیو دوازده و دوازده

طرح واجرای روی جلد فریبا رهدار

ناظر چاپ محسن حقیقی

لیتوگرافی فرایند گویا

چاپ چکاد چاپ

صحافی علی

چاپ اول، بهار ۱۴۰۳ ۱۱۰۰ نسخه

همهٔ حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشرکارنامه محفوظ است.

هرگونه استفاده ازکتاب‌آرایی و عناصر آرایشی این کتاب اکیداً ممنوع است، همچنین هر نوع استفادهٔ تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هرصورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی)، کلاً و جزئاً، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

مراکز پخش و فروش:

پخش کارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شمارهٔ ۱۳۵، تلفن: ۲۶۱۱۷۹۸۵، ۲۶۱۱۷۹۸۶ و ۰۹۱۲۶۴۳۹۱۵۱

فروشگاه بزرگ شهرکتاب نیاوران با همکاری نشرکارنامه، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، شمارهٔ ۱۳۷

تلفن: ۲۲۲۸۵۹۶۹ • فکس: ۲۲۸۰۸۱۹۲

نشرکارنامه: خیابان کریم‌خان زند، تقاطع میرزای شیرازی، شمارهٔ ۱۱۱، واحد یک، تهران: ۱۵۹۷۹۸۵۷۳۱، تلفن: ۸۸۹۰۴۰۸۳

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Story of a Novel
Thomas Wolfe
Scribner's, New York 1936

یادداشت مترجم

تامس وُلف را نویسنده‌ای در طراز فاکنر و همینگوی و اسکات فیتس‌جرالد دانسته‌اند، گرچه از آنها قدری جوان‌تر بود و در جوانی هم درگذشت. فاکنر او را «بااستعدادترین نویسندهٔ نسل ما» خوانده بود. تنها دو رمان بلند وُلف، درکنار مجموعهٔ متنوع و مفصّلی از داستان‌ها و رمان‌های کوتاه، در زمان حیات او منتشر شد و دو رمان بلند و یک مجموعهٔ دیگر از داستان‌های کوتاه او نیز بعد از مرگ نویسنده با استفاده از دست‌نوشته‌هایش به چاپ رسید. آنتونی برجس درمورد وُلف نوشته است: «... همان نابغهٔ اهل کارولینای شمالی که قادر بود به‌راحتی یک میلیون کلمهٔ درخشان را روی کاغذ بیاورد، ولی نمی‌توانست هیچ نظم و ترتیبی به آنها بدهد.» همین نیاز وُلف به نظم و ترتیب بخشیدن به نوشته‌هایش بود که زمینه‌ساز همکاری او با مکسول پرکینز، سرویراستار انتشارات اسکریبنرز، شد. پرکینز ویراستار آثار نویسندگان برجسته‌ای همچون همینگوی و فیتس‌جرالد بود، اما به‌خصوص همکاری‌اش با وُلف و نقش اساسی و به‌راستی تعیین‌کنندهٔ او در شکل گرفتن نهایی رمان‌های وُلف بود که او را به ویراستار اسطوره‌ای صنعت نشر آمریکا بدل ساخت.

داستان یک رمان شرح شورانگیز این همکاری و ادای دین وُلف به پرکینز است، هرچند درعین‌حال خود یک اثر ادبی مستقل و منحصربه‌فرد نیز هست که در آن هنرمندی نابغه نبردهای سهمگین درون خود را با قوّت و درخششِ تمام بازگو می‌کند. بسیاری از ویژگی‌های ممتاز وُلف را به‌روشنی می‌توان در این اثر یافت: حافظهٔ شگفت‌آور و قدرت شاعرانهٔ کلام، توصیف

دقیق و باریک‌بینانه و پر از جزئیات تجربهٔ انسانی، صداقت و صراحت ستودنی در ارزیابی واقع‌بینانهٔ توانایی‌ها و کاستی‌های کار خویش، نثر رگ و ریشه‌دار استوار و استادانه، گرایش عمیق و گاه حتی جنون‌آمیز به حدیث نفس، توانایی حیرت‌آور در بیان چندین و چندبارهٔ یک مضمون از زوایای گوناگون و با لحن‌های متفاوت در قالب تصاویری غنی و پرفروغ و جان‌دار که با ضربان زبانی تپنده و آهنگین رفته‌رفته اوج می‌گیرد و همچون منظومه‌ای سمفونیک گسترش می‌یابد، گویی وُلف واریاسیون‌های مختلفی را با قدرتِ تمام بر پایهٔ یک موتیف بنیادین در ارکستراسیون عظیمی از کلمات در هم می‌آمیزد.

از این گذشته، با خواندن داستان یک رمان چه‌بسا پرسش‌هایی مهم و اساسی در ذهن علاقه‌مندان به مباحث فنی ادبیات داستانی شکل می‌گیرد: ویراستار، هرقدر هم دانا و چیره‌دست، تا چه حد حق یا وظیفه دارد در روند نوشتن یا تدوین رمان یا هر نوشتار ادبی خلاقانهٔ دیگری مداخله کند؟ رمان‌های وُلف با ویرایش پرکینز را درکلّیتِ خود تا چه اندازه می‌توان حاصل کار و خلاقیت «نویسنده» دانست؟ آیا ویرایشِ داستان حدّومرزی هم دارد، و اگر جواب مثبت است، آن حدّومرز کجاست؟ پرسش‌هایی از همین دست بود که برخی منتقدان برجسته، از جمله برنارد دی‌وُتو، را برانگیخت که با وجود اذعان به توانایی شگرف ادبی و استعداد خارق‌العادهٔ نویسندگیِ وُلف بر او خرده بگیرند که بیش از حد به ویراستار خود وابسته است و بخش مهمی از وظایفش را در مقام نویسنده، عمدتاً در حوزه‌های مربوط به فرم و ساختار، بر دوش ویراستار نهاده است. این انتقادها روحیهٔ حساس وُلف را چنان آزرد که سرانجام تصمیم گرفت قراردادش با اسکریبنرز را فسخ کند و به همکاری خود با مکسول پرکینز خاتمه دهد.

داستان یک رمان را می‌توان توصیف دست‌اول درخشانی دانست از خلوت پرغوغای درون نویسنده، و عذابِ نوشتن در شکل اصیل و خلاقانه‌اش، و تنهایی هولناک و پرمشقّت نویسنده به هنگام آفرینش، و برای من یادآور این گفتهٔ همینگوی در متن سخنرانی کوتاه اما تأثیرگذارش در مراسم دریافت جایزهٔ نوبل: «نوشتن، در بهترین شرایط، زندگی کردن در تنهایی‌ست.... همچنان که نویسنده از پوستهٔ تنهایی خود بیرون می‌آید، منزلت عمومی‌اش

بیشتر می‌شود و غالباً کارش رو به انحطاط می‌گذارد. زیرا او کارش را در تنهایی انجام می‌دهد و اگر نویسنده‌ای باشد به قدر کفایت خوب، باید هر روز با جاودانگی، یا فقدان آن، رویارو شود. هرکتاب در نظر یک نویسندهٔ واقعی می‌بایست شروع تازه‌ای باشد که او در آن بار دیگر می‌کوشد به چیزی بیرون از دسترس دست پیدا کند. نویسنده همیشه باید در جست‌وجوی چیزی باشد که هرگز کسی انجام نداده است یا دیگران کوشیده‌اند انجام دهند ولی نتوانسته‌اند. آن‌وقت گاهی، اگر بخت واقعاً یار نویسنده باشد، از عهدهٔ کار برمی‌آید. اگر در ادبیات فقط لازم بود که آنچه را تاکنون به‌خوبی نوشته‌اند به طرز دیگری بنویسیم، نوشتن چقدر آسان می‌شد. ما درگذشته نویسنده‌های خیلی بزرگی داشته‌ایم و دقیقاً به همین دلیل است که نویسنده ناگزیر می‌شود از آنچه در توان دارد بسیار فراتر برود، تا جایی که دیگر هیچ‌کس قادر نیست به او کمک کند.»

داستان یک رمان را انتشارات اسکریبنرز نخستین بار در آوریل سال ۱۹۳۶ منتشر کرد، و از آن پس بارها تجدید چاپ شده است.

خرداد ۱۴۰۱ ـــــ احمد کسایی‌پور

داستان یک رمان

ویراستاری که در ضمن از دوستان خوب من است حدود یک سال پیش به من گفت که افسوس می‌خورَد چرا جزئیات کار مشترکی را که با هم انجام دادیم به صورتی دقیق و منظم ثبت نکرده است، تمامی آن تکاپو و گیر و گرفت و جوشش و توقّف و پایان، آن ده هزار اصلاح و تغییر و پیروزی و شکست، که صَرف از آب و گل درآوردن یک کتاب شد. این ویراستار می‌گفت که بخشی از کار ما معرکه بود، بیشترش باور نکردنی، تمامش حیرت‌انگیز، و ضمناً آن‌قدر هم لطف داشت که بگوید ظرف بیست و پنج سالی که دست اندرکار حرفهٔ چاپ و نشر بوده همهٔ آن ماجرا را دلچسب‌ترین تجربه‌ای می‌داند که از سر گذرانده است.

می‌خواهم از این تجربه حرف بزنم. من البته نمی‌توانم به هیچ‌کس بگویم چطور کتاب بنویسد؛ نمی‌توانم اصول و قواعدی در اختیار هیچ‌کس بگذارم تا بر پایهٔ آن به جایی برسد که کتاب‌هایش را ناشران منتشر کنند یا داستان‌هایش را مجله‌هایی با دستمزدهای گزاف بپذیرند. من نویسندهٔ حرفه‌ای نیستم؛ نویسندهٔ حتی کارکشته‌ای هم نیستم؛ من فقط نویسنده‌ای هستم که قصد دارد حرفه‌اش را بیاموزد و شیوه و بیان و ساختار زبانی را کشف کند که اگر کاری را می‌کنم که دلم می‌خواهد بکنم، چاره‌ای جز کشف آن ندارم. درست به همین دلیل است، به این دلیل که دست و پا می‌زنم، به این